



هدف دین است که پاکیزه به محضر خدا برویم/ کفاره گذشته را جبران می کند

آیت الله محمدعلی جاودان در درس اخلاق با بیان اینکه همه طرحی که دین برای ما دارد این است که ما پاک و پاکیزه از دنیا برویم و به محضر خدا برویم، گفت: کفارات به خاطر این است که خرابیهایی که گذشته به بار آورده ایم را جبران کنیم.

آیت الله محمدعلی جاودان در درس اخلاق با بیان اینکه همه طرحی که دین برای ما دارد این است که ما پاک و پاکیزه از دنیا برویم و به محضر خدا برویم، گفت: کفارات به خاطر این است که خرابیهایی که گذشته به بار آورده ایم را جبران کنیم. به گزارش خبرگزاری مهر، بحث ما در مورد کفاره بود. همه طرحی که دین برای ما دارد این است که ما پاک و پاکیزه از دنیا برویم. پاک و پاکیزه به محضر خدا برویم. هرچه شما پاکتر و پاکیزه تر باشی، مطلوبتر است. این بحث کفارات که عرض می کنیم هم برای این است که خرابیهایی که گذشته به بار آورده ام را جبران کنیم. این خرابی ها به معنای آلوده کردن خودم است. به معنای نجس کردن خودم است. درمورد منافقین در آیه 95 سوره مبارکه توبه می فرماید: *إِنَّهُمْ رَجَسٌ* اینها پلیدی هستند. یک نفر نجس می شود و یک نفر نجسی است. خیلی نمی خواهیم لفظش را باز کنیم. انسان ممکن است به یک جایی برسد که نجس باشد. عین نجاست می شود. ببینید سگ عین نجاست است. اگر دست تر من به سگ بخورد، نجس می شود. خود سگ نجسی است. عین نجاست است. خون عین نجاست است. شراب عین نجاست است. دستی که به خون می خورد، نجس می شود. اصطلاحاً می گوئیم متنجس. کفاره اینها را پاک می کند.

حالا تا به حال یک سری از کفارات را عرض کرده ایم. اگر در خاطرتان باشد فرمودند که گریه بر امام حسین، *يَحُطُّ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ* حالا اگر گفته می شود گریه بر امام حسین *يَحُطُّ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ*، گریه بر حضرت صدیقه هم *يَحُطُّ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ* است. فرقی نمی کند. ریشه گناهان بزرگ را از بین می برد. ریشه کن می کند. همین مطلبی که شب های گذشته عرض کردیم. فرمود که محبت ما خانواده گناهان بزرگ را برطرف می کند. از همه این مواردی که گفته شد، ساده تر صلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله عليهم اجمعین بود. گناهان بزرگ را ریشه کن می کند. پلیدی های مرا پاک می کند.

اگر شما فقط هفته ای یک قطره برای امام حسین (ع) اشک بریزی و گاهی هم صلوات بفرستی نمی شود. می ترسم گاهی آدم صلوات را هم درست نفرستد. صلوات شعار است. اما شعار نیست. دعاست. آن را باید به عنوان دعا بگوئید. این دعا، یک دعای مستجاب است. از هرکسی قبول می شود. در مورد روز عرفه در عرفات هم فرموده اند هرکس آنجاست، آمرزیده می شود. حتی منافق. خب بعد چطور؟ باز بیرون می آید و برمی گردد. خب هیچ. خودش دومرتبه خراب کرد. اگر نه هرکس آنجاست، بخشیده می شود. صلوات هم دعایی است که از هرکس پذیرفته می شود. خیلی خوب است. فقط شما باید اینها را به عنوان دعا بگیرید. عرض کردم شعار هست. بلند هم بگوئید. شعار است. جنبه شعاری اش هم هست. اما من با صلوات دعا می کنم. این گناهان بزرگ را ریشه کن می کند. پس مگر ما چقدر گناه داریم؟ این یک مساله ای است.

«مَنْ سَجَدَ شُكْرًا» هرکس سجده شکر کند. «وَهُوَ مُتَوَضِّئٌ» وضو داشته باشد. با وضو سجده شکر کند. سجده شکر ما اینگونه است که سر به سجده می گذاریم و بدون توجه و سریع می گوئیم *شكراً شكراً شكراً*. اینگونه نه. سجده شکر کند. برای شکر خدا و شکر نعمت های خدا به خاک بیفتد. *كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ* ده تا صواب برایش می نویسد. و *مَحَا عَنْهُ عَشْرَ خَطَايَا عِظَامَ*. ده گناه بزرگ را پاک می کند. یک سجده شکر این کار را می کند. از اهل خانواده مرحوم آخوند ملاحسین قلی پرسیدند. گفتند این اواخر از صبح به سجده می رفت تا ظهر. از ظهر به سجده می رفت تا شب. اواخر عمرش بود. به سجده می رفت. این را مکرر عرض کردیم

اینجا مردم را دو دسته می کنند: یک دسته کسانی هستند که وقتی قبض روح می شوند سالم هستند. در آیه 28 سوره مبارکه نحل دسته دیگر را اینگونه مطرح می کند: «الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ» فرشتگان می آیند آنها را قبض روح می کنند در حالیکه این به خودش ظلم کرده است. این داستانی دارد. دسته دوم کسانی هستند که در آیه 32 سوره مبارکه نحل می فرماید: «الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ» کفاره هایی که عمل کرده است نتیجه داده است. دیگر چیزی نمانده است. اگر چیزی بماند من باید آن طرف کفاره اش را بدهم. کفاره آن طرف سخت است. اگر آدم اینجا کفاره اش را بدهد و پاک و پاکیزه از دنیا برود، آن دنیا راحت است.

«الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ» آنهایی که وقتی ملائکه برای قبض روح شان می آیند، پاک و پاکیزه هستند. به محض رسیدن آن فرشته ای که برای قبض روح آمده به زبان من از این همه پاکیزگی حظ کرده. حیرت کرده در این عصر و زمان آلوده ما، در این شهر آلوده ما، این چطور انقدر پاکیزه مانده است. داستان یک آقای را عرض کرده بودم. خدا رحمتش کند. اینها سه نفر بودند که با هم قرار گذاشته بودند که پاک و پاکیزه باشند. حیرت انگیز است. گفتند این آقا در پاساژ شانزه لیزه که من اصلاً نمی دانم کجاست، روسری زنانه می فروخت. برایش درمورد وضو سوال پیش آمده بود. شب در خواب امیرالمومنین آمدند برایش وضو گرفتند. اینگونه وضو می گیرند. دستش را بالا زد و برایش وضو گرفت. بعد او را برده بود در بهشت گردانده بود. این پیرمرد را دیدی؟ بله آقا دیدم. این سلمان بود. می شود؟ معلوم است می شود.

«الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ» پاک و پاکیزه قبض روح می شوند. همانجا می گویند آقا بفرمایید بهشت. تا چشم باز کند،

چشمش به بهشت باز می شود. یک سره به بهشت می رود. در ادامه آیه می فرماید: يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ از همان دم مرگ فرشتگان به آنها می گویند سلام علیکم. وقتی فرشته به انسان سلام می کند، مانند سلام های ما نیست. مثلا ممکن است ما سلام کنیم و بخواهیم از هم تفریه کنیم. یا سلامی باشد که پشتش طمع باشد. ما صد جور سلام داریم. آنها که صد جور سلام ندارند. یک جور سلام می کنند. سلام واقعی. واقعا برتو سلام باد. از آن لحظه دیگر هیچ رنجی برای او نیست. تمام شد. يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ بفرمایید بهشت. آخر آدم از دم مرگ که به بهشت نمی رود. چرا می رود. اگر حساب شما پاک است، خب پاک است دیگر. حسابی نداری. به کسی بدهکار نیستی. اگر بدهکار بودی، می ایستاندند و می گفتند آقا چرا؟ چطور؟ چه؟ اما خب او بدهکار نیست.

اگر به عمرش غیبت کسی را نکرده باشد و غیبت کسی را ننشیده باشد، خب بدهکار نیست دیگر. بفرمایید بهشت. یک سر به بهشت می رود. ببینید می فرماید: «ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» این مهم است. یک کسانی یک حرف هایی می زنند که چه عرض کنیم؟ «ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» زحمت کشیده ای. زحمت. یک داستانی از قدیم از مرحوم آقا شیخ محمد حسین زاهد شنیده بودم. نمی دانم. هرکس بوده واقعا آفرین دارد. گفته بودند روز عاشورا در مسجد بزازها که گرم ترین روضه های تهران بود و روضه خوان اصلا نمی توانست روضه بخواند، ایشان رفته بود و روضه حضرت رضا(ع) را خوانده بود. روز عاشورا. یخ است دیگر. آقا این چه کاری بود کردی؟ به نظرم قبل از ایشان نظام رشتی منبر بود. خب نظام فوق العاده بود. خیلی خوب بود. گفت وقتی داشتم پایم را روی پله می گذاشتم، آن شیطان درونم گفت که برو و روی دست ایشان بخوان. گفتم حالا به تو می گویم. این زحمت کشیده دیگر. زحمت کشیده. گفتند ظهر نان و پنیر و سبزی داشتند. گفت خانم ظهر نان و سبزی را می خوریم. چون پنیر اگر بماند طوری نمی شود. اما سبزی کهنه می شود. پنیر بماند برای شب. همسایه مرغ پخته بود. آن زمان مرغ شاهانه بود. کسی مرغ نمی خورد. مرغ پخته بود و روی اخلاصی که به ایشان داشت برای ایشان هم آورده بود. واقعا به ایشان اخلاص داشتند و حقش هم بود. وقتی آمد در زد، گفت فلان خانه خیلی مشکل مالی دارند. غذا را برای آنها ببر.

زحمت کشیده. پیاده به امامزاده داود می رفتند. ایشان سوار ماشین نمی شد. احتیاط می کرد. حالا کاری نداریم. پیاده می رفتند. چهار فرسخ بود. تا می رسید می گفت خب داداش جون بیا حمد و سوره ات را بخوان. خب بابا پیرمرد خسته شدی. یک چایی بخور. یک نفسی تازه کن. نه. بیا حمد و سوره ات را بخوان. من عرض می کنم که قیامت نگویند نمی دانستیم. همه شما باید نزد یک معلم و یک اهل فن، حمد و سوره را بخوانید. در طول زمان وقتی یک کمی عمر انسان می گذرد، کم کم در طول زمان حمد و سوره اش عیب می کند. آن کسی که از اول نزد معلم حمد و سوره اش را نخوانده هم که باید حتما بخواند. در هر صورت من عرض می کنم که همه شما باید حمد و سوره تان را بخوانید تا مطمئن شوید که درست می خوانید. آن آقا گفت این مسجد کهنه بود و صدتا سوراخ داشت و ده جایش ترک داشت و این حرف ها. گفت این حیوانات همین طور سر و صدا می کردند. وقتی ایشان رویش را برمی گرداند به سمت جمعیت و «بسم الله الرحمن الرحیم» را می گفت، همه ساکت می شدند. گفت: «ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» زحمت کشیدی. زحمت کشیدی. در پاک دامنی خودت زحمت کشیدی. خیلی عظیم است. کوشیدی یک بار هم دروغ نگوئی. کوشیدی چشمت به نامحرم نیفتد. در تمام عمرت یک بار هم نیفتد. خوشا به حالت.